

بررسی تشکیلات سپاهی و جنگ افزارها در دولت مادها و هخامنشیان

۱- فریبا بلوچی

۱- کارشناسی ارشد در رشته تاریخ گرایش تاریخ ایران باستان نگارش دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه

دولتی سیستان و بلوچستان

۲- فریده بلوچی

۲- کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

۳- فرزانه شهرکی نیا

۳- کارشناسی ارشد در رشته تاریخ گرایش تاریخ اسلام دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دولتی سیستان و

بلوچستان

چکیده

مهاجرت اقوام آریایی به فلات ایران نقطه عطفی در تاریخ سرزمین ایران به شمار می رود. این اقوام با تأسیس حکومت های نیرومند، موجب تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی گسترده ای نه تنها در ایران، بلکه در بخش وسیعی از جهان آن روز شدند. نوشتار حاضر کوشیده است این پژوهش را براساس داده های تاریخی که با روش اسنادی-کتابخانه ای گردآوری شده است به بررسی این موضوع بپردازد یافته های این پژوهش نشان می دهد از آنجا که مادها نخستین آریائیانی بودند که حکومتی فراگیر در بخشی از فلات ایران تشکیل دادند، بررسی تاریخ آنها از اهمیت بسیاری برخوردار است. مادها با اتکا بر امور نظامی بنیان های حکومت را تقویت و دامنه آن را گسترش دادند. تشکیل دولت مقتدر هخامنشی در نیمه قرن ششم قبل از میلاد تحولی عظیم در جهان قدیم پدید آورد این تحول در بعد نظامی بسیار قابل تأمل بود.

واژگان کلیدی: پارسیان، مادها، سازمان سپاهی، ادوات جنگی، هخامنشیان

مقدمه

دوره ماد از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی ایران شمرده می‌شود. قوم ماد منشأ اثرات بسیار عمیقی در تاریخ کشور ما می‌باشد این دولت زمینه شکل‌گیری و شکوفایی شاهنشاهی هخامنشیان را فراهم ساخت. بسیاری از بنیان‌های تمدنی را به شاخه دیگری از ایرانیان منتقل ساخت. مادها شاخه‌ای از آریایی‌ها بودند که در هزاره دوم قبل از میلاد از مرزهای شمال شرقی و شمال غربی به سرزمین ایران وارد شدند. رفته رفته در غرب ایران ساکن شدند و حکومت ماد را تشکیل دادند. در اواخر قرن ۸ قبل از میلاد بود که مادها در نواحی غربی ایران متحد شدند تا در مقابل حمله آشوریان مقابله کنند. آنان در نهایت موفق شدند از طریق اتحاد با یکدیگر بنیان‌گذار شاهنشاهی وسیعی شوند که از کویر مرکزی ایران آغاز می‌شد و تا آسیای صغیر ادامه داشت. با اتحاد نیروی نظامی قبایل ماد در سایه تشکیل ارتش، ترکیب آن با گروه‌های نظامی اقوام متحد غیرمادی و شیوه جنگ‌های نامنظم، نظامی شکل گرفت که تا مدت‌ها در دنیای کهن بی‌سابقه بود. پارس‌ها گروه دیگری از آریایی‌ها بودند پارس‌ها پس از ورود به ایران مسیر حرکت خود را تا نواحی جنوبی ادامه دادند و با سکونت در این ناحیه رفته رفته با اقوام بومی فلات ایران که در آن ناحیه ساکن بودند نظیر کاسی‌ها، در هم آمیخته شدند و به تدریج با بهره‌مندی از قدرتی که در منطقه کسب کرده بودند موفق به تشکیل حکومت گردیدند. تشکیل حکومتی قدرتمند با مرزهای قابل کنترل خارج از اندازه بود لذا برای نخستین بار در تاریخ توجهات را به سمت وسوی خود جلب می‌کرد. در همین راستا برای پیش‌گیری از حمله اقوام وحشی، به وسیله کوروش پدید بوجود آمد. زمانیکه پارس‌ها به فلات ایران مهاجرت کردند رئیس یکی از قبایل پارس هخامنش بود. کوروش بنیان‌گذار هخامنشیان از نوادگان هخامنش بود کوروش توانست آخرین پادشاه مادها را در جنگی شکست بدهد و حکومت آنان را سرنگون سازد. کوروش با تکیه بر قدرت نظامی خود پیروزی‌های زیادی بدست آورد. او بابل (عراق امروزی) و لیدی (ترکیه امروزی) تصرف کرد و قلمرو ایران را از خلیج فارس تا دریای مدیترانه گسترش داد. سازمان نظامی هخامنشیان ریشه در سنن شرق باستان دارد و آنان وارث نظام سپاهی آشوریان از طریق مادها محسوب می‌شدند. سوال پژوهش حاضر این است که تشکیلات سپاهی و جنگ افزار در ساختار حاکمیت چه نقشی می‌بایست ایفا می‌کردند؟ مسئله اساسی در این پژوهش، نقش تشکیلات نظامی در روند حکومت است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش علمی، توصیفی-تحلیلی است. و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت اسنادی-کتابخانه‌ای بوده است. که به صورت خواندن فعال و یادداشت برداری دقیق از منابع گوناگون فارسی صورت گرفته است. در انتخاب منابع مستندتربودن کتاب‌ها و مقالات مدنظر بوده است. پژوهش حاضر می‌کوشد با نگاهی عینی به وقایع و حوادث مستند تاریخی که در منابع و مآخذ آمده به توصیف، تبیین تحلیل تاریخی موضوع بپردازد. و به این ترتیب سعی خواهد شد که براساس توصیف اولیه تجزیه و تحلیلی صورت بگیرد تا علل دگرگونی‌ها و همچنین پیامدها مشخص شود.

وضعیت سپاه ماد

مادها یکی از سه گروه بزرگ آریایی بودند که پس از ورود به فلات ایران و نبردهای متوالی با قبایل محلی موفق شدند در شمال غربی ایران مستقر شوند. آنان پس از اسکان نیز خود را درگیر با دشمنان خارجی دیدند که در رأس آنان دولت جنگ طلب آشور قرار داشت و به ناچار برای بقای خود بازهم مجبور به جنگ شدند. هنگامی که دیاکو، اولین حاکم ماد به قدرت رسید. به دنبال گسترش عدالت خواهانه خود کوشش نمود تا نظم و انضباط در جامعه ایجاد سازد. به همین جهت بود که وی به پیروی از آشوریان برای اولین بار سپاه منظم را ایجاد کرد. وی در تشکیلات سپاه تغییراتی ایجاد کرد و آن‌ها را به دسته‌های منظم تقسیم کرد که براساس نوع وظیفه هر طبقه بود که هریک از این دسته‌ها با نوع سلاح‌های خود شناخته می‌شدند. (دیا کونوف، ۱۳۵۷، ص ۲۷۳-۲۷۲) از گزارش‌های پراکنده تاریخی پیداست که مادها مردمی سلحشور بوده‌اند به نظر می‌رسد پیش از این مادها صاحب تشکیلات نظامی شوند همه‌ی رؤسای ماد نیروهایشان را به میدان می‌آوردند. برخی به صورت سواره و برخی به صورت پیاده بودند و نیروی سواره و پیاده به صورت‌های مختلف و بنا

به تجهیزاتی که در اختیار داشتند سازماندهی می شدند. (راولینسون، ۱۳۹۶، ص ۱۸۴) در دوره حکومت ماد دو گروه سواره نظام و پیاده نظام، نقش بسیار مهمی را ایفا می کردند. در دسته اول اسب نقش بسیار مهمی را برعهده داشت که تا پیش از آن زمان کارایی آنچنان مؤثری نداشت تقسیم و دسته بندی دیاکو علاوه بر نظم و امنیت داخلی، دوهدف بزرگ دیگری نیز در پی داشت، نخست آنکه از سویی به توسعه و کشور گشایی کمک می کرد و از سویی دیگر مانع تهاجمات بیگانگان به داخل مرزهای کشور می شد. فرورتیش پس از مرگ دیاکو به تخت نشست او گروه کمانداران و تیراندازان ورزیده را برای نخستین بار تشکیل داد و از آنجا که اسبان مادی در سرعت و استقامت و زیبایی در دنیای آن روزگار مشهور بود، پس از مدتی تمرین موفق شد نیرومند ترین سواره نظام جهان را در آن ایام به وجود آورد. مادی ها، زره های خوب و مستحکمی میساختند. مادها اولین قومی بودند که اسب به گردونه بسته و دربارکشی و در جنگ از آن استفاده کردند. استفاده از نفت در جنگ را نیز به این قوم نسبت داده اند آنان نوک پیکان های خویش را به کهنه ی آلوده به نفت، مجهز کرده و به مدد این سلاح در اندک مدتی سراسر اردوگاه دشمن را به آتش می کشیدند. (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۶) مرگ فرورتیش، این سردار نامی، تا مدتی موجب توقف گسترش سیاسی و نظامی دولت ماد گردید. اوضاع دولت ماد با کشته شدن فرورتیش دچار اغتشاش داخلی شد زیرا این پادشاه مادی که از بنیان گذاران این امپراتوری به شمار می رفت و مصمم بود که انتقام قبایل مادی را از متحدین سابق آشور بگیرد، بنابراین به تشکیل اتحادیه های نظامی وسیعی اقدام کرد. لذا قبل از اینکه بتواند سرو سامانی به اوضاع داخلی ماد دهد؛ گرفتار هجوم قبایل نیمه وحشی «سیت» (اسکیت ها) گردید، در نتیجه دچار شکست شد با شکست او دولت ماد ناچار شد مدتی را به عنوان خراجگذار فرمان رویی اسکیت ها سپری کند. با وجود تشکیل اتحادیه هایی از مادها و شماری از قبایل محلی، هنوز نیروی نظامی مستقلی تشکیل شده و سپاه مادی مجموعه ای از قبایل و خاندان بود که در صورت ضرورت و به رهبری سران قبایل خود، شاه را در جنگها یاری می دادند. این روند تا پیش از هوخشتره ادامه داشت و قدرت پادشاه همچنان متکی به سران قبایل و خاندان های مادی بود که روز به روز بر دامنه قدرت آنها افزوده می شد. مادها به تدریج با غلبه بر دشمنان یورشگری همچون سکاها و آشوریان، توانستند قلمرو مشخصی برای خویش ایجاد کنند. حکومت ماد در زمان فرمانروایی هوخشتره، سومین پادشاه مادی، به اوج قدرت رسید. او نخست با تشکیل سپاه منظم و کارآمدی از قبایل مختلف ماد، پارس و...، قدرت خود را بر مناطق وسیعی از ایران تثبیت کرد. در زمان او اصلاحات عمیقی در سپاه ایرانی ماد به وجود آمد که بخشی از آنها به تقلید از نظام آشوری بود حضور همیشگی دشمن مقتدری همچون آشوریان همچنین گستردگی قلمرو مادها ضرورت این اصلاحات را دوچندان می نمود. هوخشتره در آغاز سلطنت خود ناچار شد در مرحله اول از افراد سپاه نامنظم پدرش ارتشی منظم تشکیل دهد تا بتواند انتقام شکست و مرگ پدر خود را بگیرد از این رو بر آن شد تا سپاهی از روی نمونه سپاه آشور تشکیل دهد. (هوار، ۱۳۶۳، ص ۳۱) هوخشتره سپس با حکومت بابل، علیه آشور متحد شد و به حاکمیت آشوریان پایان داد. در پی این موفقیت نظامی، قلمرو ماد به شمال بین النهرین و بخش های وسیعی از آسیای صغیر گسترش یافت.

ارتش و نیروی نظامی ماد

گروه های مختلف سپاه مادها براساس اهمیت:

سپاه مادها به دسته های کمان داران، نیزه داران و سواران تقسیم میشود و در کنار آنان دسته های پشتیبانی، تدارکات و یگان های بارکش قرار داده شده بود. مادها در زمان فرورتیش، وسایل و فن محاصره کردن قلعه ها را در اختیار داشتند و دارای منصب مهندسی نظامی شدند. آن ها همچنین در زمان فرمانروایی سکاها با فنون و تاکتیک و استراتژی نظامی آن ها آشنا شده بودند و هنر تیراندازی با کمان را هم از آن ها یاد گرفتند. بدین ترتیب ساختار ارتش ماد به هیچ وجه از ارتش آشور عقب نبود و به علاوه روحیه جنگی آن ها به مراتب از آشوری ها بهتر بود. هوخشتره هنگامی به قدرت رسید که کشور در وضعیت نامناسبی قرار داشت و از هر سو در محاصره قبایل بربر کوچ نشین قرار داشت، به همین خاطر ابتدا به ساماندهی مجدد ارتش ماد پرداخت. هوخشتره ارتش ماد را به یگان های راهبردی و تاکتیکی تقسیم کرد و لشکریان را از روی نوع سلاح سازمان داد. تقسیمات جدید نه بر مبنای روابط قبیله ای افراد بلکه بر اساس نیاز نظامی دولت بود. بدین ترتیب هوخشتره توانست اولین ارتش منظم را در تاریخ ماد ایجاد کند. هوخشتره با تکیه بر این ارتش توانست بر سکاها غلبه کند و به نظر می رسد توانست بخش بزرگی از سرزمین هایی را که پیش تر متعلق به سکاها بود، به دست

بگیرد. با این پیروزی مادها از وابستگی به سکاها رهایی یافتند و تبدیل به یکی از مهم‌ترین قطب‌های سیاسی شرق باستان شدند. پس از آن بخشی از سکاها نیز به ارتش ماد پیوستند. (علیف، ۱۳۸۸، ص ۳۸۷)

ابزار جنگی دوره مادها

با تشکیل جوامع ابتدایی و قبایل جنگ‌ها گسترش یافته و به تبع آن گروه‌های جنگجو و سربازان به وجود آمدند نیروهای نظامی ایران از همان ابتدای پیدایش شامل دو بخش سواره نظام و پیاده نظام می‌شد. نخستین نشانه‌های ارتش منظم و قدرتمند در نزد آریایی‌های ایران با باید در حکومت ماد جست‌وجو کنیم. مادها به علت طبیعت زندگی آن‌ها یعنی کوچ‌نشینی و برخورد با مشکلات و به ویژه تجاوزات آشور، افرادی جنگجو و دلیر بودند و با وجود کوهستانی بودن منطقه زندگی‌شان در غرب ایران که برای آن‌ها مانند دژی طبیعی بود همچنان زندگی و اسلحه ساده داشتند و تحت ریاست سران طوایف می‌جنگیدند. رهبر اولیه آن‌ها مانند دژی طبیعی بود همچنان زندگی و اسلحه ساده داشتند و تحت ریاست سران طوایف می‌جنگیدند. مادها از زمان کودکی، افراد را برای امور نظامی پرورش می‌دادند. چنانکه اطفال را برای مراقبت از بناهای دولتی در کنار دیگر بزرگان به کار می‌گماشتند تا با امور آشنا شوند و از سویی شاه در شکار مانند یک آرایش جنگی حرکت می‌کرد و همراهان او کمان، ترکش، شمشیر، خنجر و سپر به همراه داشتند و شکار در نظر آن‌ها یک مکتب جنگی و میدانی برای تمرین جنگ واقعی بود. در کنار این مسائل جوانان نیز باید هر روز به سوارکاری و تیراندازی می‌پرداختند. اما در ماد تا مدت‌ها ارتش به شکل مستقلی وجود نداشت و توده اصلی ارتش را همان مردم سلحشور تشکیل می‌دادند که برحسب نیازها جمع می‌شدند. بنیانگذار واقعی قدرت مادها را باید هوشتر دانست که با ایجاد تغییراتی در ارتش مادها را به اوج قدرت رساند. در ایران از همان دوره باستان، ارتش اهمیت زیادی داشته است. فلسفه تشکیل حکومت ماد، دفاع از قلمرواش در برابر تهاجمات بیگانگان مانند آشوریان بوده است. پیش از آن نیز در نزد آریایی‌ها، طبقه جنگاوران مورد توجه بود.

لباس و تسحیلات نظامی ماد

در زمینه پیرامون لباس و تجهیزات مادها یکی از مهمترین منابع کتاب هرودوت است. هرودوت اینگونه لباس و تجهیزات مادها را شرح می‌دهد «آنها کلاه‌هایی نرم به نام «تیار» به سر می‌گذارند. پیراهن‌های چند رنگ آستین دار با زرهی از پولک‌های آهنین به تن می‌کنند آنها نیزه‌هایی کوتاه با کمان‌هایی بزرگ و خنجری که در کنار ران راست از کمر بند هایشان آویخته حمل می‌کنند. (هد، ۱۳۹۱، ص ۴۴) سلاح اصلی سواره نظام ماد شامل خنجر، سرنیزه، سپر، شمشیر، تیر و کمان و زوبین بوده است. نیرومندی ارتش ماد بیشتر مدیون انضباط سخت و دوران طولانی تربیت سربازان است. اسلحه قبایل مادی بسیار دوی بوده است برخی از اقسام تیر و خنجر مادها در ضمن کاوش‌های باستان‌شناسی کشف گردیده است. (مشکوتی، بی تا، ص، ۴۴) همچنین در قلمرو مادها نوعی ارتش مردمی وجود داشت که به آن «کاره» می‌گفتند و غالباً از میان سپاهیان داوطلب قبایل انتخاب می‌شدند. مادها اولین قوم ایرانی هستند که نشانه‌های بارز لباس ایرانی را می‌توان در پوشش آنها یافت. مثلاً تنزیب چرمی تنگ آستین دراز که تا زانو می‌رسید با یک کمر دوتا که با گل کمر آن را نگاه می‌داشت، از جمله این نشانه‌هاست. در همین زمان پوشاک زنان ایرانی با تقریب زیادی مشابه پوشاک مردان است و تنوع و گوناگونی آن به کندی و طی سالیان دراز شکل گرفت. در یکی از نقوش منتسب به زن پارسی، زنی پیراهنی بلند با آستین کوتاه پوشیده و پایین دامنش ریشه دارد.

وضعیت سپاه هخامنشی قبل از داریوش یکم

ارتش شاهنشاهی هخامنشیانی از سربازان نواحی مختلف امپراتوری هخامنشی تشکیل شده بود اما هسته اصلی این ارتش را سلحشوران ایرانی تشکیل می‌دادند. سربازان از سرتاسر این امپراتوری پهناور می‌آمدند: از پارس گرفته تا آسیای مرکزی و دانوب. پس از پارسیان، مادها بیشترین سهم سرباز را در سپاه داشتند و بسیاری از سرداران ارتش ماد تبار بودند. سپاه هخامنشی تا زمان داریوش یکم متکی بر واحدهای مختلف پیاده نظام بود که از قبایل، اقوام و ملل تابعه به آن پیوسته بودند. سلاح اصلی سواره نظام در سپاه پارسیان نیز بودند. به گفته مورخین سپاه هخامنشی، این سپاه، یک نیروی سواره نظام نیمه فئودال و از گروه‌های سربازان مزدور نبوده است؛ بلکه این سپاه

از نیروهای چند ملیتی تشکیل شده بود در راس سازمان نظامی هخامنشی، «شاه، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمین های دارای همه گونه مردم، شاه در این سرزمین دور و پهناور» قرار داشت. شاهان هخامنشی از کوروش بزرگ تا داریوش سوم، در بیشتر نبردها خود شخصا فرماندهی کل نیروها را بر عهده داشته اند و گاهی نیز این فرماندهی را به ژنرال های خود واگذار می کرده اند. فرماندهان ارتش ایران هخامنشی توسط شخص شاهنشاه و از میان "ساتراپ" ها یا اشراف غالبا پارسی و مادی تبار که عموما خویشاوندان شاه بودند به مناصب خود گماشته می شدند.

گروه های مختلف سپاه هخامنشی براساس اهمیت:

۱- سپاه جاویدان (جوانان پارسی)

۲- سواره نظام (که نیزه دار بودند).

۳- پیاده نظام

اقدامات داریوش در زمینه نظامی و نوسازی سپاه

۱- اودرز زمینه نظامی، نیروی ویژه ده هزار نفری به نام سپاه جاویدان (جوانان برومند پارسی) تشکیل داد آنان آموزش های ویژه ای دیده بودند. آنان هیچ گاه از تعدادشان کم نمیشد. چون هر وقت سرباز یا فرمانده ی بازنشسته یا کشته می شد، فورا فرد جدیدی جایگزینش می شد.

۲- یکی دیگر از اقدام های بزرگ داریوش یکم، تأسیس نیروی دریایی در دریای مدیترانه بود. به تدبیر این پادشاه، چندین پایگاه دریایی در خلیج فارس، دریای سرخ، و دریای مدیترانه به وجود آمد. دریانوردان ملل مختلف تابع امپراتوری، از جمله فنیقی ها، سوری ها، مصریها، قبرسی ها، و مردمان آسیای صغیر در نیروی دریایی هخامنشیان خدمت میکردند، اما فرماندهی ناوهای جنگی را پارسیان و مادی ها برعهده داشتند.

آریایی ها در اصل قومی دامدار در نواحی داخلی آسیای میانه بودند که با دریا و دریانوردی ارتباط چندانی نیافتند. در دوره ی حکومت مادها وقفه ای در روند شکلگیری طبقه ی دریانورد ایرانی پدید آمد داریوش در سال ۵۱۶ ق. میرای رونق دادن به دریانوردی گام بلندی برداشت. داریوش مبتکر تاکتیک خاصی در بکار بردن نیروها، به ویژه نیروی دریایی بود. این تاکتیک باشیوه نظامی عبارت بود از: بکار بردن نیروها به شکل توده، انجام عملیات مشترک آبی: خاکی. این عملیات در جنگهای امروزی با توسعه نیروی دریایی و تکیه آنان به حمایت از راه هوا و زمین بسیار ارزشمند است.

به طور کلی کشتی های نیروی دریایی هخامنشی بر سه نوع بوده است:

۱- کشتی های «تری روم» که دارای سه ردیف پارو زن در سه طبقه بوده و کشتی جنگی محسوب می شده است.

۲- کشتی های دراز مخصوص حمل و نقل اسبها و سوار نظام.

۳- کشتی های کوچک تر برای بارکشی و حمل آذوقه و وسایل اردویی.

داریوش بزرگ ابتدا از کشتی های مستعمرات یونانی آسیای صغیر و مردم فنیقیه استفاده کرد. (بحرانی پور، ۱۳۹۲، ص ۷۵) ملوانان این کشتی ها اغلب از فنیقی ها و یونانی ها و یا مصری ها بودند، ولی افسران آن ها همیشه از بین پارسی ها و مادی ها انتخاب می شدند. بطوری که از گفته ی مورخ مذکور بر می آید، بارگیری این کشتی ها به وزن امروز ۵ تا ۱۵ تن بوده است.

نیروی دریایی هخامنشیان فعال بود، اما بار اصلی روی دوش پیاده نظام و سواره نظام (به ویژه پیاده نظام) بود و قایق‌ها و کشتی‌های جنگی هخامنشیان تأثیر زیادی بر روند جنگ‌ها نداشتند. خشایارشا بیشترین نبردهای دریایی را با یونان داشته است که مشهورترین آنها نبرد سالامیس در ۴۸۰ ق.م.ج. موجگ میکاله بودند و این امر نشان می‌دهد که ایرانیان به حدی از تجربه در دریا نوردی رسیده بودند که بنا به گواهی هروdot پارسی‌ها در نبرد دریایی سالامیس بهتر از فنیقی‌ها و مصریان می‌جنگیدند با این وجود اندازه بزرگ و کم تحرک کشتی‌های هخامنشیان و فراوانی آنها در سواحل صخره‌ای و تنگه‌های دریای یونان از عوامل ناکامی دریایی خشایارشا به ویژه در سالامیس شد و هنرنمایی تیراندازان پارسی که به قلاب‌های مفروغی برای حمله به کشتی دشمن مجهز بودند مانع از شکست نیروی دریایی هخامنشی از ملوانان آتنی نشد. ولی با این حال نیروی دریایی هخامنشی به پای نیروی دریایی سریع یونان نمی‌رسید و این دلیل شکست در نبر سالامین بود. در مورد طریقه جنگ با کشتی اول اینکه از کنار کشتی دشمن رد می‌شدند به طوری که پاروهای دشمنان بشکند سپس با سر کشتی می‌زدند به وسط کشتی دشمن و آنرا غرق می‌کردند، یا با تیر اندازان و نیزه دارانی که روی کشتی‌های خود داشتند مبارزه می‌کردند، یا با دژکوبی که در قسمت پایینی کشتی بود کشتی دشمن را سوراخ و آب را وارد آن می‌کردند.

سپاه جاویدان

پیاده نظام مهم‌ترین قسمت سپاه هخامنشیان را تشکیل می‌داد. این پیاده نظام در دوره کوروش از قلاب سنگداران، شمشیرزان و نیزه داران و کمانداران تشکیل می‌شوند، اما در دوره داریوش اصلاحاتی در آن بوجود آمد. مهم‌ترین اصلاحی که داریوش در ارتش هخامنشیان بوجود آورد ایجاد «گارد جاویدان» بود. سپاه جاویدان در رأس همه گروه‌ها قرار داشت. در بررسی ارتش هخامنشی، یکی از جنبه‌های اعجاب برانگیز آن وجود همین سپاه جاودان است. این سپاه ده هزار نفری نه تنها «سپاه آماده باش» شاهنشاه ایران را تشکیل می‌دادند و نگهبانان شاهی بودند، بلکه به عنوان پیشقراول سربازان پیاده نظام در جنگ‌های پارسیان نیز حضور داشتند. از منابع ایرانی از جاویدانان، نقش برجسته‌های پرسپولیس و کاشی‌های لعاب دارشوش است که در آنان ستون‌های نگهبانان به تصویر کشیده شده است. تصاویر منقوش درشوش، اغلب به عنوان جاویدانان پنداشته شده است. گارد جاویدان نامی است که هروdot، تاریخ‌نگار شهیر یونانی، به لشکر نخبه ده هزار نفری پیاده نظام سنگین اسلحه ارتش هخامنشی داده است. یونانیان از این جهت آنان را «جاویدان» می‌خواندند که برخلاف روال معمول در جهان باستان، این لشکر، یک سپاه همیشگی (به انگلیسی: Standing Army) بود. به دلیل نبود منابع کافی، نام واقعی (اسپاد) این بخش از نیروهای ارتش شاهنشاهی هخامنشی به دست ما نرسیده است. هروdot جاویدانان را نیروی‌های پیاده نظام سنگین اسلحه‌ای توصیف می‌کند که رهبریشان برعهده ویدرانه، یکی از هفت مردی که علیه بردیای دروغین شوریدند بوده است. هروdot تنها کسی است که آنان را جاویدانان لقب می‌دهد. منابع ایرانی از وجود یک سپاه همیشگی که اعضای آن را مبارزان عشایر ایرانی تشکیل می‌دهند، خبر داده‌اند اما آنان را با نام جاویدان نمی‌خوانند.

ارتش هخامنشیان دارای سپاه ثابتی به نام «جاویدان‌ها» بوده‌اند، که متشکل از ده هزار نفر بوده است. این گارد از این رو گارد جاویدان نامیده می‌شد که در صورت بیماری، زخمی شدن یا مرگ یکی از اعضا، بی‌درنگ کسی از ذخیره‌ها جای او را می‌گرفت. افراد گارد ده هزار نفری جاویدان و هنگ گارد سواره تشکیل نخبان سپاه هخامنشی را می‌دادند. گارد جاویدان علاوه بر وظیفه محافظت از پادشاه و خانواده سلطنتی در تمامی جنگ‌ها به عنوان گروه پیشقراول ارتش پارس پیشاپیش پیاده نظام حضوری مؤثر داشتند. گروه هزار نفری نخست، یعنی هنگی که نیزه‌هایش به انار زرین ختم می‌شد، «هنگ محافظان» بود. لباس بلند چین دار هخامنشی، کفش ایرانی سه بندی و نوار بی گره دور سر آنان نشان از پارسی بودن این افراد دارد. ایران شناسان براساس اسناد موجود اینگونه نتیجه می‌گیرند که تمام افراد «ده هزار جاودانان» از پارس‌ها بودند. و بسیار مشهور و هراس‌انگیز. جاویدانان در زمان جنگ در جهت مراقبت از بدن جوشن نیز می‌پوشیدند. این جوشن از پارچه‌ای کتان بود که بر روی فلس‌هایی از آهن دوخته میشد. (کخ، ۱۳۷۶، ص ۲۹۹) یکی از ویژگی‌های دوره هخامنشی شرکت خود سرکردگان در جنگ بود و تعداد بسیاری از آنان هم در میدان‌های نبرد کشته می‌شدند. سپاه جاویدان زنده ترین ویکی از بزرگترین نیروهای جهان زمان خود شمرده می‌شود که برای ایفای دو نقش تربیت شده بودند که هم برای محافظت از شاهنشاهی و هم به عنوان عنصری از ارتش در جنگ‌های ایران و یونان در دوران هخامنشی ایفای نقش می‌کردند. و از این رو به هنگام

نبرد، درست در جلو و کنار فرمانروا قرار می‌گرفتند. به هنگام بار در دربار نیز افراد این گارد نزدیک‌تر از دیگر سپاهیان به شاه می‌ایستادند؛ چون پاسداری از شاه وظیفه اصلی آن‌ها بود، فقط هنگی که قبضه نیزه‌هایشان زرین بود مجهز به سپر بودند. در عوض باید از تیر و کمان و ترکش صرف نظر می‌کردند، اما دشنه کوتاه ایلامی داشتند. فرمانده هنگ محافظ شاه، هم‌زمان فرمانده گارد ده هزار نفری جاویدان هم بود. احتمالاً او مافوق فرمانده گارد سوار نیز بوده است. او از قدرتمندترین شخصیت‌های شاهنشاهی به‌شمار می‌آمد و در اواخر عهد هخامنشی رسماً «نایب السلطنه شاه» بود و به فارسی باستان «حاکم دوم» نامیده می‌شد. اعضای سپاه جاویدان به عنوان بهترین‌های ارتش پارس اقلام خاص دریافت می‌کردند و در حقیقت سپاه جاویدان هسته مرکزی و قلب ارتش پارسیان را تشکیل می‌داد.

پیاده نظام هخامنشی

بعد از گارد جاویدان، لشگر اصلی پیاده نظام قرار داشت. اعضای این لشگر از اقوام و مردمی تشکیل می‌شوند که تبعه دولت هخامنشیان بودند. لیدی‌ها، سکاها، یونانیان، ترک‌ها و بابلی‌ها اعضای اصلی این لشگر بودند. آن رسته را «پیادگان سنگین اسلحه» می‌خواندند و سلاح اصلی ایشان عبارت از یک نیزه بلند، یک شمشیر یا تبرزین بود که با دست راست به کار می‌بردند و یک سپر کوچک که از ترکیه ی محکم بافته شده بود و در دست چپ می‌گرفتند و به سینه خود هم جوشن می‌بستند. سایر افراد پیاده به تیر و کمان یا فلاخن و زوبین مسلح بودند که در میدان رزم به عنوان دسته‌های امدادی به کار می‌رفتند. آنگونه که از یافته‌های باستان‌شناسی بر می‌آید ابزار جنگی این دسته از سپاهیان هخامنشی عبارت بود از: نیزه و تیر، سپرهای کوچک و هلالی بافته شده از نی، سپرهای بیضی شکل دارای یک برآمدگی فلزی در وسط به نام گل سپر که معمولاً تصاویر زیبایی بر آن نقش شده‌اند، سپرهای بزرگ و مستطیلی، دشنه‌های ایرانی که دسته آنها طبق عادت معمول ایرانیان به صورت سر یک جانور ساخته می‌شد، دشنه‌ای کوتاه به نام «اکیناکه» که به کمر می‌آویختند، چاقوهایی که دسته آنها به شکل حیوان‌هایی مانند شیر، گاو و بزکوهی ساخته شده بود و کمان که مشخصه قومیت ایرانی بود، به همراه کمان دانی که خاص ایرانیان بود. پیش قراول پیاده نظام هخامنشی «ارابه رانان» بودند. ارابه رانان با ارابه‌های بزرگ خود که چرخشان به تیغه‌های بزرگ و تیزی هم بود، وظیفه ارتش دشمن را از هم گسته و متفرق کنند. بعد از ارابه رانان، «سپراداران» قرار دارند.

این افراد سپرهای بزرگ مستطیلی شکل و یک نفر بزرگ بودند و اولین سربازانی بودند که به مصاف دشمن می‌رفتند. بعد از این افراد، «شمشیرداران سبک اسلحه» بودند که با خنجرهای کوتاه به سمت دشمن حمله می‌کردند و در مرحله آخر، «کمانداران» و «قلاب سنگداران» بودند که با تیر و کمان و فلاخن به قلب لشگر دشمن حمله کردند و سعی کردند می‌کردند. نظم آنها را به هم بزنند. به عبارت دیگر، در طول نبرد قلاب سنگداران و کمانداران و پیاده نظام در خط مقدم قرار گرفتن و سواره نظام سبک اسلحه و پیاده نظام سنگین اسلحه در دو طرف سپاه قرار می‌گیرند و آن‌ها را مورد حمایت خود قرار می‌دهند.

سواره نظام هخامنشی

ارتش ایرانیان از اوایل قرن ششم پیش از میلاد و سراسر دوران هخامنشیان از شوالیه‌های سنگین اسلحه بهره می‌جست توانایی ارتش هخامنشیان در درجه اول مربوط به سواره نظام آن بود که نقل و انتقال سریع نیروهای نظامی در پهنه امپراتوری امکان‌ناداشت (بروسیوس، ۱۳۸۷، ص ۸۶). این سلسله بزرگترین شاهنشاهی بود که جهان تا آن زمان به خود دیده واز بسیاری جهات موفقیت بزرگی کسب کرده بود سواره نظام هسته اصلی سپاه اولیه پارسیان را تشکیل می‌داده است و پارسیان مانند دیگر اقوام ایرانی، سنت طولانی در پرورش اسب داشتند یکی از شیوه‌های ارزیابی موقعیت اجتماعی بوده است. سوار کاری در میان پارسیان فضیلت محسوب میشد. و سوار کار، مجهز به خنجر کوتاه، کمان، تیر و نیزه بوده است. به غیر از این، پارسیان از شتر و فیل برای رماندن اسب‌های دشمن استفاده می‌کردند. سواره نظام باوجود اهمیت خود ظاهراً نیروی کمکی برای پیاده نظام بود سواره نظام همان نقشی را داشت که تانک‌ها در لشکرهای زرهی در جنگ‌های مدرن برعهده دارند. نیروی سواره نظام قادر بود خطوط دفاعی دشمن را از بین ببرند و پیروزی نظامی

ایرانیان را تصمیم کند. این کوروش کبیر بود که دریافت برای پیروزی های قاطع تر و موثرتر در آسیای مرکزی و خاورمیانه باید از شوالیه های سواره نظام استفاده کند. هشتاد درصد ارتش او پیاده نظام بودند و بیست درصد باقی مانده شوالیه های سواره نظام. در اوایل دوران هخامنشیان بیشتر سپاه ایران سبک اسلحه بودند. آن عده ای که سنگین اسلحه تر بودند، چرم ضخیم و جوشن در بر می کردند. با کمک این ارتش، ایرانیان می توانستند بر امپراتوری عظیمی که از هند تا یونان گسترش یافته بود تسلط داشته باشند. پس از شکست خشایارشا در جنگ های ایران و یونان بود که ایرانیان دریافتند نیاز به تحولی در ارتش خود دارند. اردشیر سوم هخامنشی (۳۵۸ تا ۳۳۸ پیش از میلاد) دست به اصلاحات گسترده ای در ارتش اواخر دوران هخامنشی زد و آن را به سمت سنگین اسلحه شدن سوق داد. بهترین نمونه سواره نظام در دوره هخامنشیان، سواره نظام سنگین اسلحه بود که در قلب سواره نظام هخامنشیان قرار داشت که زوبین و نیز بلند بود و بعد از آنها سواره نظام سبک اسلحه قرار داشت که نیزه و شمشیر کوتاه بود. نیروی سواره نظام ستون فقرات ارتش ایران را در آغاز شکلگیری آن و تمام دوران سلسله هخامنشی تشکیل می داد. ساختار نظام هخامنشی مانند سواره نظام اشکانی است، هخامنشیان اتکاء زیادی به سواره نظام ندارند و بیشتر به پیاده نظام خود توجه می کنند. با این حال، نظام سواره نظام هر دو حکومت یکی بود. بیشتر سربازان سواره نظام هخامنشی از پارت ها، سکاها و مردم لیدییه بودند که همگی سوارکارانی زبده را به شماره می آوردند.

ابزار جنگی در دوره هخامنشیان

از تجهیزات نظامی مورد استفاده در دوران هخامنشی می توان به پوشش لباس، زره، تیراندازی با کمان، ارابه، سپر، شمشیر و خنجر، استانداردهای امپریال و نظامی و سربازان اشاره کرد. پوشش لباسی سربازان از کلاه نرم به نام تاج، تونیک با آستین های رنگارنگ، شلوار و کمربند جهت آویزان کردن خنجر، کمان و نیزه بوده است. زره های پیدا شده در تخت جمشید از جنس آهن، برنز و طلا بوده است. که توسط هر دو سواره نظام و پیاده نظام به خاطر اندازه و وزن مناسب قابل استفاده بوده است. تیر و کمان از جنس های چوبی و تیر های آن از جنس نیلشکر و نی با فلش های مثلثی سه پر از جنس برنز است. سربازان با انگشتان شست و اشاره برای تیراندازی استفاده می کردند. ارابه در تمام طول دوره هخامنشی با نقش های مختلف کاربرد داشته است. ارابه مقدس اهورا مزدا که از جنس طلا ساخته شده است و توسط هشت اسب سفید رانده می شد، مخصوص خشایار شاه بوده است. نیزه با دست راست و سپر با دست چپ توسط سربازان بهره گرفته می شد. به جزء نیزه و سپر، سربازان از خنجر با طول ۳۴ تا ۴۵ سانتی متری که منشاء ی از دوران مادها و پارس ها دارد، نیز از پر کاربرد ترین تجهیزات مورد استفاده شان بوده است. شمشیر که عمدتاً یک سلاح برشی است دارای یک لبه برش محدب از تیغه است که به اندازه کافی بزرگ و به عنوان سلاح ایده آل برای پیاده نظام و سواره نظام است. از سایر تجهیزات ارش هخامنشی می توان به پرچم با تصویر یک عقاب طلایی که به روی چوب بزرگ یا نیزه بسته شده است و توسط افسر ارشد حمل می شد، اشاره کرد. لازم به توضیح است که پرچم به انواع استاندارد نظامی است و توسط ارتش هخامنشی اختراع نشده است. و برای کمک به کنترل ارتش در دشت های گسترده شرق میانه استفاده شده است.

برخی از سلاح های مهم در این دوران هخامنشیان عبارتند از:

۱- ارابه داس دار:

یکی از ابتکارات ایرانی ها اختراع ارابه داس دار بود. این ارابه در هر قسمت خود به شمشیر های تیز و کاردهای داس مانند مجهز بود و هنگام حرکت از دوطرف، هر چیزی را بر سر راه اسب ها تکه تکه می کرد.

۲- گردونه ها:

به دستور کوروش گردونه ها یا برج های بلند و چوبی و چرخ دار ساخته بودند این برج ها متحرک بودند و در داخل آنها کمان داران قرار می گرفتند و از بالای برج ها در موقع لزوم به دشمن تیراندازی می کردند. این برج ها توسط تعداد زیادی اسب کشیده می شدند.

۳- نیزه دار و نیزه ها:

واحد های نیزه داران از مهمترین واحد های ارتش هخامنشیان بودند و بالاترین درجه در ارتش نیز بر عهده یک نیزه دار بود. به گزارش هروودوت محور نیزه ایرانیان شش تا هفت پا (حدوداً دو متر) بودند و از چوب درخت زغال اخته ساخته می شدند.

۴- گرز یا تبرزین:

فرشتگان و ایزدان اوستا آن را به کار می برند. او در ادامه یادآوری می کند سلاح مورد علاقه بسیاری از پهلوانان استوره ای ایرانی مانند سام، گرشاسب و رستم گرز است و آن ها در به کار بردن آن مهارت داشتند. اوستا از انواع مختلفی از گرزها نام می برد.

۵- کمان ها:

به عنوان نماد پادشاهی و قدرت کمان ها نقش مهمی در ارتش هخامنشیان ایفا می کردند. کمان و تبرزینهای آن در یک کماندان (گوریتویی) حمل می شدند. ایرانیان از گروههای مختلف مثل ماد ها و پارس ها در لباس های ایرانی محلی خود یا جامه های سوارکاری کماندان حاوی تیر و کمان را با خود حمل می کردند. پادشاهان هخامنشی از کمان برای نشان دادن توانایی های رزمی و شجاعت خود در حین نبرد و نماد جایگاه خود استفاده می کردند.

پوشش جنگاوران هخامنشی

یکی از نکات جالب توجه در تمام دوره هخامنشیان نوع پوشش آنها هست. در سنت ایران باستان، سه طبقه اجتماعی از طریق رنگ لباس هایشان متمایز می شدند: ارتشیان به رنگ قرمز، کاهنان سفید، کشاورزان آبی رنگ می پوشیدند. این اثر رنگی را می توان در برخی از آثار به جای مانده از دوره هخامنشی مشاهده کرد. به طور کلی لباس مردان امپراتوری هخامنشی را می توان به چهار دسته تقسیم کرد: لباس دربار پارس ها و ایلامی ها، لباس سواره نظام، گروه های ایرانی و وابسته می باشد.

پوشش مردان در دوره هخامنشیان:

ویژگی قابل توجه ارتش ایران چند ملیتی بودن آن بود. گزارش های تاریخی حاکی از آن است که لباس های افراد نظامی مختلف و در هر یک از ملت ها و طایفه های تابع ایران به شکل لباس معمول همان ملت یا طایفه بوده است. سبک کلاه هخامنشی شاید مهمترین وجه تمایز پوشاک این دوره با دوره های قبل و بعد خود باشد. کلاه پارسی برخلاف کلاه مادها که گرد و ساده است، معمولاً چهار گوشه و دارای چین های عمودی می باشد. در زمان جنگ معمولاً بر سر سربازان می توان پارچه بلند از پشم یا کتان که در اطراف سر پیچیده شده است را مشاهده کرد. لباس دربار شامل پوششی است که به بهترین وجه در سنگ نبشته های تخت جمشید و شوش دیده می شود. در لباس های مردان دربار پوشیدن شلوار مرسوم نبوده است، آن ها معمولاً لباس بلند بر تن داشتند. تنها برای زمان جنگ پادشاه به خاطر سوار بودن بر روی اسب، از پوشیدن لباس بلند خودداری می کرد، و لباس نیم تنه یا شلوار را جایگزین آن می کرد. اما پوشاک سواره نظام ها شامل چندین نوع شلوار بود. برخی از شلوارهای ارتشیان تا زانو گشاد و از زانو به پایین تنگ بود، به طوری که شلوار را داخل بوت می کردند. هروودوت می گوید: «در ۴۸۰ ق. م سربازان پارسی و مادی هردو پیراهن و شلوار می پوشیدند، شیوه ای که پارس ها آن را از مادها تقلید می کردند گروه دیگری معتقدند پارسیان لباس بلند خود را از همسایگان ایلامی خود اقتباس کرده بودند. و در نبردها به پوشیدن پیراهن و شلوار کارآمدتر ادامه دادند». (هد، ۱۳۹۱، ص ۳۷-۳۶)

به گفته پروفسور هایمر ماری کخ در کتاب «از زبان داریوش»، در رابطه با پوشش لباس گارد جاویدان هخامنشیان نظرات جالبی وجود دارد این که گارد جاویدان در بعضی نقش برجسته های تخت جمشید کلاهی که از جنس نمد بوده به شکل مستطیل ساده و کوتاه تر از کلاه شاه استفاده می کردند. کفش آنها، کفش چرمی ساده نوک تیز بوده و سه بند داشته است و در آن برای بلند قد نشان دادن افراد از پاشنه استفاده می کرده اند.

کفش پاریسیان:

بطوریکه در سنگ نگاره‌های تخت جمشید و پاسارگاد بنظر می‌رسد، در زمان هخامنشیان یک نوع دیگر کفش معمول بوده که فرم آن بسیار ساده و قلاب و تکه و یا نواری بروی آن دیده نمی‌شود. از طرفی دیگر در سمت چپ و راست این نوع کفش اصلاً درزی وجود ندارد و بایستی گمان کرد که کفش نامبرده مانند جورابی به پا کشیده می‌شده در بالا و پشت پاشنه درز دوخت داشته باشد. این نوع کفش را معمولاً در پای شاهان هخامنشی می‌توان دید.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر تلاشی در جهت بررسی یکی از موضوع‌های مهم نظامی در مقطعی حساس از تاریخ باستان بود که با رویکردی تشکیلات سپاهی و جنگ افزارها را بررسی کرد و از طریق مطالعه اسناد و شواهد تاریخی، نقش کلیدی سپاه رادارین فرایند تبیین نمود. معمولاً تاریخ ایران را با مادها آغاز می‌کنند. حکومتی که در قرون هفتم و ششم ق. م از دل جوامع کوچ نشین غرب، شمال غرب، مرکز فلات ایران سربرآورد دولت ماد درست زمانی در فلات ایران برپا شد که دولت آشور مشغول حمله به سرزمین عیلام و دیگر نواحی ایران و بین النهرین بود. مادها و در مدت کوتاهی چنان قدرتی یافتند که در نهایت بزرگترین امپراتوری آن روزگار یعنی آشور را سرنگون ساخت. فروپاشی امپراطوری آشور، تغییرات اساسی در ساختار ژئوپلیتیکی غرب ایران و بین النهرین به وجود آورد. موقعیت جغرافیایی سرزمین ایران و وجود قبایل گوناگون از مسائل پیچیده تاریخ ایران به شمار می‌آید. بر همین اساس اولین حکومت آریایی بر پایه اتحادیه‌ی نظامی و بر اساس ضرورت تاریخی شکل گرفت. از سوی دیگر امپراتوری هخامنشی از نیمه سده ششم تا نیمه سده چهارم ق. م به خاور نزدیک حکومت راند این سلسله، بزرگترین شاهنشاهی بود که جهان تا آن زمان به خود دیده و از بسیاری جهات موفقیت بزرگی کسب کرده بود. اطلاعات تاریخی ما از تشکیلات نظامی ماد اندک است مادها در ابتدا فاقد سران نظامی بودند به گونه‌ای که از داشتن سلاح برای رویارویی با دشمن محروم بودند تشکیلات ارتش در دوره باستان، خصوصاً دوره هخامنشی آنگونه که از منابع یونانی و نیز کتیبه‌ها و الواح هخامنشی بر می‌آید، بسیار سازمان یافته بوده است. یکی از علل موفقیت هخامنشیان در جنگ‌ها و اداره مملکت، نوآوری و سازماندهی دقیق بود که در زمینه اداری و نظامی به کار بردند. سپاه هخامنشی به لحاظ قومی-فرهنگی دارای تشکیلاتی مختلط بوده است. این سپاه دارای نیروهای منظم پیاده نظام و سواره نظام که عمدتاً مادی و پارسی بودند. در رأس همه گروه‌ها «سپاه جاویدان» قرار داشت مهم‌ترین واحد در سپاه یگان «ده هزار» نفری بود که قلب ارتش هخامنشیان را تشکیل می‌داد، نظامی نوین داشت. در این گارد بهترین سربازان ارتش که به (هنگ جاوید) معروف بود خدمت می‌کردند. در تداوم تاریخ ایران نیز ارتش و نیروهای نظامی همواره از جایگاه مهمی برخوردار بودند. موقعیت مهم جغرافیایی ایران و وجود قدرت‌های بزرگ و طوایف بیابانگرد در اطراف ایران، اهمیت مسئله را دوچندان کرده بود. وجود تشکیلات منظم نظامی در ایران باستان و همچنین اصطلاحات فراوان مربوط به ارتش در این دوره، نشانگر توجه به این نهاد بوده است.

منابع:

- ۱- علیف، اقرار، پادشاهی ماد. ترجمه کامبیز میربها. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۸
- ۲- دیا کونوف، میخائیل میخائیلوویچ، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷
- ۳- راولینسون، جورج مادها، ترجمه هاشم کرمی، تهران: نشرپانیز
- ۴- جمشیدی، محمد حسین، مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران، تهران دانشکده فرماندهی و ستاد - دوره عالی جنگ. ۱۳۸۰
- ۵- هوار، کلمان، ۱۳۶۳، ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۶- هد، دانکن، ارتش هخامنشی، ترجمه محمود آقاجری، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۱

۷- مشکوتی، نصرت‌الله، تاریخ نظامی ایران (جنگ‌ها دوران ماد و هخامنشی)، چاپخانه ارتش شاهنشاهی، بی‌تا.

۸- بروسیوس، ماریا، تمدن درخشان ایرانیان، ترجمه محمود طلوعی، تهران: انتشارات تهران، ۱۳۸۷

۹- کخ، هاید ماری، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، تهران: نشر کارنگ.

Investigation of military formations and weapons in the Medes and Achaemenid governments

1-Fariba Balochi

1- Master's degree in history, majoring in the history of ancient Iran, University of Sistan and Baluchistan, Faculty of Humanities, State University of Sistan and Baluchistan

2- Farida Balochi

2- Master's degree in Educational Sciences, Educational Management, Islamic Azad University, Baft Branch

3- Farzaneh Shahrekinia

3- Master's degree in History, Islamic History, University of Sistan and Baluchistan, Faculty of Humanities, State University of Sistan and Baluchistan

Abstract

The migration of Aryan peoples to the Iranian plateau is considered a turning point in the history of Iran. By establishing strong governments, these ethnic groups caused extensive political, social, economic, cultural, and military changes not only in Iran, but also in a large part of the world at that time. The document-library method has been collected to investigate this issue. The findings of this research show that since the Medes were the first Aryans who formed a comprehensive government in a part of the Iranian plateau, the investigation of their history is very Important. The Medes strengthened the foundations of the government and expanded its scope by relying on military affairs. The formation of the powerful Achaemenid government in the middle of the 6th century BC brought about a huge transformation of ancient times. This transformation was very remarkable in the military dimension.

Key words: Persians, Medes, army organization, war tools, Achaemenians